

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۰۲

استاد شاه محمود محمود

سبزوار یا شیندند فعلی

بخش سوم

آثار تاریخی و باستانی سبزوار



۱ - حصار یا قلعه سبزوار

حصار مظفر کوه، استوارترین دژ سبزوار که از یک سو به رود اسفزار منتهی می شد و از سوی دیگر ارگ آن بر قلعه کوه بلندی واقع بود و درون آن مسجد جامع و عمارت‌های عالی قرار داشت. گفته شده است که این دژ به فرمان الب غازی اعمار شده است.

محمد زمچی اسفزاری در روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ، این حصار را چنین معرفی می‌کند: اسفزار از قدیم‌الایام شهرتی تمام دارد که آن را باغچه هرات گویند. هرچند حالا به سبب حوادث و فترات روزگار در غایت ویرانی و پریشانی بوده است از آن جمله در یک طرف سواد او قلعه ایست که مشهور است به حصار مظفرکوه از خشت و گل ساخته اند، بر سر پاره کوه از سنگ خارا در غایت عظمت و رفعت. دور آن قریب به یک فرسنگ. یک در آن در پای کوه بر کنار دریای اسفزار و ارگ آن بر قلعه کوه در غایت بلندی و در درون آن مسجد جامع و بازار و حمام و عمارات عالی و سراهای به تکلف به گچ و ساروج اندوده بوده، و پهنای سر دیوار او چنان بوده که هفت سوار در پهلوی یکدیگر می‌رفته اند و در وسط قلعه چشمه آب عذب بوده که از در قلعه بیرون می‌آمده و در رود می‌ریخته که حالا انباشته و ناپیدا گشته و در ارگ او حوض‌های عظیم به خشت پخته و آهک ساخته بوده اند که به آب باران پر می‌شده و از هیچ طرف این قلعه سوار به پای دیوار نمی‌تواند آمد غیر از دری که بر کنار رود است و از دو طرف دیگر بعضی مواضع چنان است که پیاده به پای فصیل نمی‌تواند آمد و از دو طرف دیگر او مرغ را مجال طیران نیست و از دری قلعه تا ارگ یک میل بلکه بیشتر باشد که سوار از درون قلعه تا نیمه راه او می‌تواند رفت و سر دیوار قلعه را چنان ساخته اند که بر اکثر دور آن سواران دوران و سیران می‌کرده اند و از مواضعی که جهت آن قلعه خشت و گل می‌برده اند تا به پای قلعه یک فرسخ نزدیک خواهد بود و

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

چنین گویند که آن را آلپ غازی بنا کرده است و از بسیاری مردم آن ولایت مسموع شده که از شکاف دیواری در آن قلعه کاغذی یافته بودند که مزد عمارت آن قلعه را بر اهل بغداد توجیه کرده بودند. چه قلعه‌ای است که هر روز بامداد پگاه درآید از کمرش پای آفتاب به سنگ باحتیاط رود از حواشی کمرش غزاله فلک تیز پای همچون زنگ

اسفزار از سالیان دور به داشتن دژ های استوار مشهور بود که مهاجمان را در تسخیر شهر به دشواری می افکند. اسفزاری (۴۳)

در هفت اقلیم رازی آمده است که دژ مظفرکوه بر پایه سنگی سخت قرار داشت و آب های زیرزمینی اطراف آن چندان به سطح زمین نزدیک بود که مهاجمان قادر نبودند به درون دژ نقب زنند (۴۴). اسفزاری اضافه میکند که: و از غرایب حالات آنست که بعضی حکام جهت نشاط شکار مردم آنولایت را میفرمایند تا آن کوه را که این قلعه بر کناره اوست میرانند و وحوش و سباع آن کوه درین قلعه در می آیند و راه بیرون رفتن بریشان متعسر میگردد. بعد از آنکه چابک سواران و قاپوچیان در میان قلعه بنشاط تمام شکار می افکنند و صید می اندازند و تفرج عجیب واقع میشود و هنوز دیوار های این حصار در حد محکمی و استواری است. اما آب چشمه آن معدوم شده و آبادانی نمانده . (۴۵)

پوهاند حبیبی به استناد بیهقی ؛ در احوال جوانی سلطان مسعود غزنوی هنگامیکه در هرات والی بود ؛ می نویسد: همچنین به شکار شیر رفتی تاختن اسفزار و ادرسکن و از آن بیشه ها به فراه و زیرکان و شیرنرچون برانجا بگذشتی به بست و به غزنین آمدی. بناً این مناطق شکارگاه شیران نامیده شده است . و اضافه میکند که: اکنون اگر این شکارگاه شیران و محل جغرافی آن را در نظر بگیریم "ادرسکن" و "اسفزار" و "فراه" مشهور کنونی که از نواحی جنوبی هرات اند و تاکنون بدین نامها یاد می شوند در خور قبولند. " (۴۶)

حافظ ابرو در جغرافیایی خویش در ذکر اسفزار می نویسد که : و در قصبه قلعه دارد از خاک و در کوه نیز قلعه دارند و در بدرآباد که یکی از قراء سبزوار است قلعه محکمی بود، به وقتی که حضرت صاحب قرانی [امیر تیمور لنگ مشهور به صاحب قران] انار الله برهانه، به فتح سجستان متوجه شده بود جمعی در آنجا متمرّد شدند . آنرا فتح فرمود. فرمان شد تا خراب کردند. (۴۷)

بارتولد به قول ازفریه که در قرن ۱۳ هـ ق مطابق ۱۹م به اسفزار سفر کرده، گوید که این شهر در نتیجه جنگهای میان حکمرانان هرات و قندهار ویران شده بود فقط خرابه ها و قنوات خشک از رونق و عمران گذشته حکایت میکند(۴۸).

مرحوم خلیل الله خلیلی درمورد این حصار نوشته که: در بلوک زاوول «لودویک آدمک در پهلوی زاوول نام مغولان را نیز آورده است» (۴۹) یک قلعه بزرگ و حصار باشکوه دیگر است که انرا قلعه زال می نامند اگرچه خراب شده اما عرض دیوار های آن از بعضی حصه ها که باقی مانده به ده گر بالغ میشود و آثار عظمت آن مشهود است (۵۰)

۲ - حصار شهرستان یا شهرستان بلقیس:

یکی دیگر از دژ های اسفزار می توان به حصار شارستان معروف به شهرستان بلقیس میباشد . اسفزاری در وصف این حصار می نویسد که : دیگر از قلعه‌های آن ولایت که مشهور است و رسوم اطلال آن باقی مانده، حصار شارستان است که در محاذی قلعه مظفرکوه بوده در میان صحرا چنان که هر دو فاصله میان این دو قلعه رود اسفزار است و آن مامنی بوده در کمال نزاهت فضا و لطافت آب و هوا از همه اطراف او مرغزارهای خرم که رشک سیزه زار فلک افلاک و غیرت فزای ریاض بهشت تابناک است هوایش صحیح و نسیمش سقیم و زلال کوثر مثالش طیره گر عین نسیم، و کرسی این قلعه سنگی است مدور و استوار که دور قلعه بر بالای آن است و میان قلعه زمین نرم چنان که هر جا یک گز زمین را می‌کنند آب بیرون می‌آید، و از بیرون قلعه تا آنجا مد بصر است، همه سبز و اولنگ است و همهجا یک گز به آب می‌رسد و به سبب این دو مانع یکی سنگ و دیگری آب نقب بردن بدان قلعه ممتنع است و پیش مردم آنجا چنان شهرت دارد که آن قلعه از بناهای بلقیس بوده و بعضی آنرا شهرستان بلقیس می‌گویند. و مشهور است که آن موضع مهب نسیم صباست . (۵۱)

تا اکنون آثار آن قلعه باقی است و هنوز آن صحرا و آن قلعه را شهر صبا و قلعه دختر می‌نامند. خلیلی همچنان این حصار را به نام قلعه دختر ذکر نموده است و اضافه میکند که : در اسفزار آثار بنا های سابق و علایم ابادی گذشته زیاد است در سمت جنوب سبزوار بالای کوه بلندی یک قلعه استواری بنا شده برج و باره این قلعه تمام از سنگ ساخته شده است، برای ذخیره آب ابدان های سنگی احداث شده است . اهالی اسفزار این قلعه را به نام قلعه دختر یاد میکنند. معلوم است در سابق بنای شایانی بوده است . (۵۲)

۳ - حصار بدرآباد:

دیگر از قلعه های آن ولایت که مشهور است و ذکر آن در کتاب ظفرنامه شرف الدین علی یزدی مسطور است حصار بدرآباد است که شیخ علی خططای به استظهار آن حصار در زمان امیر بزرگ (تیمور لنگ) اظهار عصیان و طغیان نمود و حضرت امیر بنفس خود متوجه فتح آن شده بعد از شش شبانه روز که جنگ کردند گشاده شد شش هزار و کسری از مردم آن قلعه به قتل آمدند. (۵۳)

خلیلی همچنان در مورد این قلعه مینویسد که: در حصه شرقی قلعه دختر اما در سطح زمین هموار آثار آبادی و یک قلعه دیگر معلوم میشود نام آنرا پسر آباد [بدرآباد] یاد میکنند. (۵۴)

اسفزاری همچنان قلعه بدرآباد و فرمکان که بنای آن را به سلطان مسعود غزنوی نسبت داده اند، ذکر میکند. (۵۵)

۴ - قلعه فرمکان:

یکی دیگر از قلاع اسفزار؛ قلعه فرمکان (برمکان) است که عمارت آن به سلطان مسعود غزنوی منسوب است که آن نیز از عجایب و غرایب بقاع بوده و اکثر آثار آن هویدا است. اسفزاری مینویسد که: در مسجد جامع فرمکان منبری بود بسیار پرکار و بتکالف چنانچه از منبر جامع هرات بزرگ تر بود و قومی از بلوچان او را بجای هیمه بسوختند. (۵۶)

۵ - برزین آباد:

از دیگر قصبات قدیمی این ولایت، برزین آباد است و آن قریه را برزین حکیم صاحب آتش برزین از مؤبدان زردشتی و شاید آتشگاه برزین نیز در برزین آباد اسفزار بوده و برزین آباد همچنان تا اکنون موجود و برخی آن را بوزنه آباد می گویند. و بنای آن قصبه از بنای هرات سابق بوده چنانچه می گویند از بنای آن سه هزار سال است. مرحوم خلیلی این قلعه را به برزو ثبت نموده است که در سمت جنوب بلوک قصبه خرابی های آنرا آورده است (۵۷)

بنابر قول خلیلی یکی دیگر از قلعه ها اسفزار قلعه فرامرز در بلوک ریفال یا زیرکوه نیز آثار خرابه های موحشی معلوم میشود (۵۸)

مشاهیر و بزرگان سبزواری:

اسفزار مانند هرات و غزنه و بلخ زادگاه و مهد دانشمندان، علما و ادیبان بسیاری بوده است که نام آورترین آنها عبارتند از: قبل از همه میتوان معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی، شاعر، خوشنویس و مورخ مشهور دوره تیموری و صاحب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را نام گرفت. به تعقیب دانشمندان چون؛ ابوالقاسم منصور بن احمد بن فضل بن نصر بن عصام المنهaji اسفزاری از فقها و صوفیان معروف قرن های ۵ و ۶ ق مساوی ۱۱ و ۱۲ م، ابوالعز محمد بن علی بن محمد اسفزاری؛ ابوحامد احمد بن اسحاق اسفزاری؛ قاضی ابوبکر محمد بن حسن اسفزاری از علمای قرن ۶ ه ق مساوی ۱۲ م؛ ابوبکر اسفزاری شاعر عربی گوی قرن ۵ ه ق مطابق ۱۱ م؛ نیز برای نام برخی دیگر از شاعران منسوب به اسفزار، به کتاب لباب الالباب رجوع کنید. (۵۹)

همچنان از امام حکیم ابو حاتم مظفر اسفزاری نام برد که از اعظم منجمین، ریاضی دان، صاحب رساله آثار علوی نخستین کتاب در بیان اسباب و علل وقوع حوادث جوی و پدیده های زمینی به زبان فارسی؛ معاصر و یار حکیم عمر نیشابوری که در بستن رصد ملکشاهی یا جلالی به حکیم عمر خیام همکار بوده است. همچنان از عزیزی اسفزاری شاعر بزرگ غزنی که او را ابن رشید غزنوی نیز گفته اند.

ملک قطب الدین اسفزاری، پوربهای اسفزاری سخنور و شاعر برجسته قرن ششم و نهم و انیس سلطان غیاث الدین غوری، رشید بن محمد محمود اسفزاری، مولانا شمس الدین اسفزاری، شیخ مجددالدین عمر اسفزاری و امیر شاهی سبزواری نام گرفت. همچنان از آغنه دوست می توان نام برد. بانو آغنه دوست (آغادوست) نام اصلی وی فاطمه خاتون است و تاریخ تولدش در دست نیست. وی از شاعران قرن دهم، ۹۶۲ هجری قمری بوده که در منطقه سبزواری (شیندند) بود و باش داشته است. بانو آغنه در شعرهایش دوستی تخلص می کرده و در علم عروض و قافیه معلومات کافی داشته است. وی اشعار زیادی سروده، مگر به گذشت زمان بیشتر سروده هایش از بین رفته است.

برخی از بزرگانی که در ولسوالی شیندند مدفون اند عبارت اند از: حضرت سلطان ابراهیم قتال، عبدالله عامر که وفاتش را هشتاد و پنج ه ق نوشته اند و عبدالله عامر از طرف حضرت عثمان (رض) عامل خراسان بوده و در نیشابور می نشست و گویند در جنگی که بین هرات و سیستان صورت گرفته، به شهادت رسیده است و در اسفزار مدفون است. (۶۰) فضل الله بن عثمان بن محمد اسفزاری (قرن هفتم) عربی دان، صاحب شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه، نجم الدین یوسف اسفزاری و ده ها دیگر که فقط در لای صفحات کتاب نام شان به یادگار مانده است.

بازار اسفزار یا شیندند:

اسفزار یا شیندند؛ بزرگ ترین ولسوالی افغانستان بود که در واقع از چهار بخش یا چهار بلوک تشکیل شده بود. این بلوک‌ها عبارت‌اند از زیرکوه [ریفال] در جنوب، پشت کوه در غرب، زاول [مغولان] در شرق و بازار در مرکز شیندند.

بازار شیندند از روزگاران قدیم مشهور و معروف بوده چنانچه اسفزاری در اواخر قرن نهم هجری از آن یاد می‌کند و می‌نگارد: مرا بر خاطر است که در بازار قصبه او میگفتند که هزار دویست دکانست بعد آنچه در محلات و بلوکات آن بوده و قلعه میان قصبه او نیز حصار حصین و قلعه متین است و در مسجد جامع قصبه در اندرون قلعه استو دایم این حصار معموز می بود (۶۱). اما در دوران اغتشاشات و خانه‌جنگی‌های پس از سقوط تیموریان اوضاع این خطه هر روز خراب تر شده رفت. در سال ۱۳۵۲ هـ ش در بازار شیندند ۵۰۰ دربند دکان و ۶ باب کاروانسرا وجود داشت. اما به دلیل عبور شاهراه هرات - قندهار از ساحه بازار شیندند و عبور و مرور عراده جات و مسافران از این بازار، در حال حاضر به رونق دکان‌های اطراف شاهراه افزوده شده و تعداد دکان‌ها در حال حاضر اضافه از ۱۴۵۰ دربند می باشد.

پژوهش و تحقیق یی که « گروتس باخ » برای نوشتن کتاب خویش انجام داده است ولسوالی شیندند مربوط ولایت فراه بوده است و اضافه میکند که : دومین شهر بزرگ ایالت فراه و مرکز عمده و آباد نواحی شمالی فراه شیندند(سبزوار) است.

این شهر در ۱۷ کیلومتری جاده سیمانی (بتونی که همان کانکریت است) قندهار - هرات در منطقه سبز اما دور افتاده و در کنار رود فصلی « هاروت رود» قرار دارد. در حدود سال ۱۸۳۰ م رونق سبزوار پیش از فراه بوده است. به طوری که موهن لعل می نویسد: ساختمانهای سبزوار مرغوب تر از بنا های فراه است. دارالحکومه شهر و خانه های مسکونی آن (۶۰ باب) حدود ۵۰۰ نفر نفوس دارد، در بازاری که جمعه بازار را هم شامل می شود ۲۰ کاسب هندو به داد و ستد مشغول اند. آثار کشمکشهای قندهار - هرات در سال ۱۸۴۵ م در سبزوار مشهود بود ولی تا سال ۱۸۵۹ م جبران خرابی ها شد. تابستانها با کوچ اهالی به کوهستان و اقامت در چادر ها (بیلاق) شهر خالی از نفوس می شد. سی ، ای ، بیت که این جا را از نزدیک دیده بود می نویسد که شهر هنوز در سال ۱۸۹۳ مانند شهر فراه خرابه بود تنها بنای دارالحکومه و تعدادی از مغازه های هندو ها بر سرپا بود.

باز سازی سبزوار در دهه سوم قرن شروع شد. شهر کنونی شامل منطقه مسکونی کوچکی است که بازاری دارد و از طرف شرق آن جاده قدیمی هرات - فراه می گذرد. در سال ۱۹۷۳ م مطابق ۱۳۵۲ هـ ش تعداد دکانها شهر به ۵۰۰ دربند و کاروانسرا ها به ۶ باب می رسید. غیر از بازار و تشکیلات بکشنیه و چهارشنبه بازار آن یک بر سوم از دکانها مانند بعضی مغازه ها در هرات بسته است . اجناس و کالا هاییکه که در بازار عرصه میشود غیر از مغازه های انگشت شماری که اجناس لوکس می فروشند، نیازمندیهای عمومی و سنتی را تامین می کند . از طرفی، با وجود روستاییان بسیار که از قوم پشتون در بیابان سبزوار زندگی می کنند اغلب دکانداران و صنعتکاران بازار تاجیکند.

یکی از موجبات اهمیت بیشتر شیندند، مجاورت این شهر با میدان هوایی بزرگ نظامی افغانستان است . گرچه نظامیان ساکن میدان هوایی کمتر در شهر دیده میشوند. آن ها احتیاجات خویش را بیشتر از هرات که ۱۲۰ کیلومتر تا شیندند فاصله دارد، رفع می کنند. در محل تقاطع جاده های فرعی با سرک عمومی هرات - قندهار آبادی های با بازاری تا ۱۰۰ دربند دکان، چایخانه و رستوران به وجود آمده است. این آبادی ها در خدمت مسافران راههای طولانی هستند.(۶۲)